

اردیبهشت ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۲، صفحات ۷۷-۹۹

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۲۰۷

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: حماسه‌های دینی از نظر موضوع زیرمجموعه حماسه‌های تاریخی محسوب میشوند و قدیمیترین آنها، منظومه «علی نامه»، سروده «ربیع» است. در این مقاله به بررسی ویژگیهای سبکی این اثر در سه حیطه زبانی، ادبی و فکری پرداخته میشود.

روش مطالعه: این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: منظومه حماسی-دینی علی نامه توسط شاعری با نام یا تخلص «ربیع» سروده شده است. این منظومه در بحر متقارب و در ۱۱۲۲۰ بیت و در موضوع مناقب و مغازی علی بن ابی طالب در جنگ با ناکثین و قاسطین است. گوینده آن که به تصریح متن کتاب، متولد ۴۲۰ هجری است، این منظومه را در سن ۶۲ سالگی و در ۴۸۲ هجری به احتمال قریب به یقین در خراسان و شاید در ناحیه بیهق و یا جرجان قدیم منظوم کرده است و آن را به یکی از اشراف سادات عصر، یعنی «علی بن طاهر عربی» از سادات ناحیه تقدیم کرده است. این منظومه، در سال ۱۳۷۹، به همت شفیع کدکنی به جامعه ادبی کشور معرفی شده است.

نتیجه گیری: مختصات سبکی این اثر بلحاظ زبانی، همان مختصات فارسی کهن یا سبک خراسانی است. از نظر لغوی، این منظومه گنجینه‌ای است از واژگانی که امروز مهجور مانده‌اند. همچنین بعثت موضوع خاص منظومه، لغات عربی با بسامد قابل توجهی وجود دارد. در سطح ادبی بارزترین صورتهای خیالی و صنایع ادبی، اغراق و تشبیه هستند. در ساختن تصاویر تشبیهی و استعاری از عناصر محسوس و مادی همچون عوامل طبیعی و حیوانی استفاده شده است. در بخش محتوایی، غالب مضامین این منظومه، بر درونمایه‌های مذهبی خصوصاً تبلیغ مذهب تشیع استوار است. سراینده این منظومه، با اینکه به توصیف میدانهای نبرد دلاوران عربی پرداخته، بعثت توجه و تعلق خاطری که به شاهنامه داشته، غالباً از شاهنامه به اشکال گوناگون تقلید میکند و حتی لغات و تعبیراتی را که نشان‌دهنده اشاره به ایران باستان و زمینه فرهنگی شاهنامه است، در اثر خویش وارد ساخته است.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

علی نامه، ربیع، حماسه دینی، سبک شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری

* نویسنده مسئول:

M.hodjat@iauk.ac.ir

۳۱۳۲۱۷۶۸ (+۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of the epic-religious system "Aliynameh" by "Rabi"

Z. Beyrami, M. Hojjat *, M. Hajizadeh

Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۳۰ March ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۱ May ۲۰۲۱

Revised: ۱۳ May ۲۰۲۱

Accepted: ۱۵ July ۲۰۲۱

KEYWORDS

Aliyameh, Rabi, religious epic,
stylistics, linguistic level,
literary level, intellectual level

*Corresponding Author

✉ M.hodjat@iauk.ac.ir

☎ (+۹۸ ۳۴) ۳۱۳۲۱۷۱۸

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Religious epics are considered as a subset of historical epics in terms of subject matter, and the oldest of them is the poem "Aliynameh", the poem "Rabi". This article examines the stylistic features of this work in three areas: linguistic, literary and intellectual.

METHODOLOGY: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: The epic-religious poem Aliyameh was written by a poet with the name or nickname "Rabi". This poem is in the convergent sea in ۱۱۲۲۰ verses and in the subject of Manaqib and Maghazi Ali ibn Abi Talib in the war with Naqsh and Qastin. According to the text of the book, he was born in ۴۲۰ AH. Sadat Asr, meaning "Ali ibn Tahir Arizi" from Sadat has dedicated the area. This poem was introduced to the literary community of the country in ۲۰۰۰ by Shafiee Kadkani.

CONCLUSION: The stylistic coordinates of this work are linguistically the same as the coordinates of ancient Persian or Khorasani style. Literally, this system is a treasure trove of words that are abandoned today. Also, due to the special subject of the system, there are Arabic words with considerable frequency. At the literary level, the most obvious imaginary forms and literary industries are exaggeration and simile. In making metaphorical and metaphorical images, tangible and material elements such as natural and animal factors have been used. In the content section, most of the themes of this poem are based on religious themes, especially the propagation of the Shiite religion. The poet of this poem, although describing the battlefields of Arab heroes, due to his attention and belonging to Shahnameh, often imitates Shahnameh in various forms and even words and expressions that indicate the reference to ancient Iran and the cultural context of Shahnameh, has entered in his work.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۲۰۷

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۲۲	 ۰	 ۰

مقدمه

حماسه‌ها را برحسب موضوع به اساطیری، پهلوانی، تاریخی، دینی و عرفانی تقسیم کرده‌اند. اصطلاح «حماسه دینی» را نخستین بار ذبیح‌الله صفا در کتاب *حماسه‌سرایی در ایران* بکار برده است. از آنجاکه موضوع این حماسه‌ها، تاریخ و وصف دلاوریها و رشادتهای بزرگان و قهرمانان تاریخی و دینی و مذهبی است، صفا حماسه‌های دینی را زیرمجموعه حماسه‌های تاریخی قرار داده است و تنها تفاوت بین حماسه‌های تاریخی و دینی را در نوع قهرمان آنها میداند که در حماسه دینی، قهرمان از رجال دینی و مذهبی است (حماسه‌سرایی در ایران، صفا: ص ۵). او در جای دیگری حماسه‌های دینی، حتی مهمترین آنها یعنی *حملة حیدری* باذل، را فاقد ارزشهای بزرگ ادبی و در شمار مثنویهای متوسط حماسی و قهرمانی بشمار می‌آورد (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵: ص ۵۸۴).

درخصوص علت پیدایش حماسه‌های دینی، اعتقاد بر آن است که «مناقبیان» یا «منقبت‌خوانان»، که ستایشگران ائمه شیعه بوده‌اند، ظاهراً از عهد آل بویه (حکومت ۳۲۰-۴۴۸) به بعد در ایران سرگرم سرودن اشعاری در ذکر مناقب امامان شیعه خصوصاً ذکر شجاعتها و رشادتهای امام علی (ع) بودند. اهل سنت، که با این عمل شیعه مخالف بودند، گروهی به نام «فضایل‌خوانان» یا «فضائلیان» را، که از فضایل صحابه پیامبر بویژه ابوبکر و عمر سخن میگفتند، به بیان داستانهایی از شاهنامه برای مقابله با مناقبیان وامیداشتند. بدینگونه بدنبال درگیری و مناقشه شدید فضایل‌خوانان به نمایندگی از اهل سنت و مناقب‌خوانان به نمایندگی از شیعه، سنت منقبت‌خوانی در ایران غالب آمد و از درون همین تشکیلات، حماسه‌های دینی شیعی سر برآوردند. با این توضیحات میتوان مناقب‌خوانان را بنیانگذار و مروج اشعار پهلوانی مذهبی و از جمله داستانهای مربوط به دلاوریهای علی (ع) در ایران دانست (قلمرو ادبیات حماسی ایران، رزمجو، ج ۱: ص ۲۲۵/ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲: ص ۳۶۳).

تا پیش از سال ۱۳۷۹، منظومه *خاوران‌نامه* ابن‌حسام خوسفی در قرن نهم هجری، نخستین حماسه دینی دانسته میشد، اما در این سال شفیع کدکنی در مقاله‌ای به معرفی کهنترین حماسه دینی به نام *علی‌نامه* پرداخت. منظومه علی‌نامه از حماسه‌های دینی-تاریخی است که در قرن پنجم توسط شاعری با تخلص یا نام «ربیع» سروده شده است و محتوای آن بیان حوادث و رویدادهای تاریخی خلافت امام علی تا پایان جنگ صفین را شامل میشود. درخصوص منظومه علی‌نامه تاکنون مقالات بسیاری نگاشته شده است که عمده آنها در ضمیمه شماره ۲۰ آینه میراث به چاپ رسیده است و هریک از منظری به بررسی این حماسه مذهبی پرداخته است، اما بررسی سبک‌شناسی این منظومه فاقد پیشینه است.

بحث و بررسی

معرفی منظومه «علی‌نامه» و سراینده آن

اطلاعات محدود از سراینده منظومه علی‌نامه، محدود به ابیات موجود در خود اثر است؛ زیرا در تذکره‌ها و منابع ادبی نامی از وی نیامده است. بعلاوه از بین رفتن مقدمه کتاب نیز باعث فقدان اطلاعات درمورد سراینده این منظومه شده است. اگرچه شفیع کدکنی معتقد است ابیات چندان از این منظومه فوت نشده است (حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیع کدکنی: صص ۹۳-۹۴).

سراینده این منظومه، خود را ربیع (ابیات: ۶۳ و ۳۸۲۶) و اثرش را علی‌نامه (ابیات: ۹۳ و ۹۵) نامیده است و متولد ۴۲۰ هجری است و این منظومه را در سن ۶۲ سالگی (بیت: ۳۷۰۷) و در سال ۴۸۲ هجری (بیت: ۳۸۱۶) به احتمال قریب به یقین در خراسان، و شاید در ناحیه بیهق سروده است و آن را به علی‌بن طاهر عریضی (۵۰۷ ق)

حاکم سبزواری تقدیم کرده است. شفیعی کدکنی با توجه به ابیاتی حاوی لهجه ربیع در علی‌نامه، او را خراسانی خالص نمی‌داند (همان: ص ۲۱) و احتمال می‌دهد که ربیع، همان «عبدالملک بنان قمی» یا یکی از مناقب‌خوانان قرن پنجم باشد (حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیعی کدکنی: صص ۱۱۵-۱۱۷).

این منظومه دارای ۱۱۲۲۰ بیت است و در دو دفتر سروده شده است؛ دفتر اول (جنگ جمل) شامل سه مجلس است که مجلس اول به بیعت مردم با امام علی و دو مجلس دیگر به حوادث جنگ جمل اختصاص دارد. دفتر دوم (جنگ صفین) شامل دوازده مجلس است. این منظومه به جهات بسیاری دارای اهمیت است، از یک سو بلحاظ تاریخ تألیف، مقدم بر همه حماسه‌های دینی است و از لحاظ تاریخی در کنار منظومه‌هایی مانند شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی قرار می‌گیرد؛ زیرا «زمان سرایش آن به زمان سرایش شاهنامه نزدیک است و از اولین آثاری است که به تقلید از شاهنامه سروده شده است. این امر بیانگر سرعت نفوذ شاهنامه از سویی و گسترش دامنه حماسه‌سرایی از زمینه ملی به زمینه مذهبی از سوی دیگر است» (مطالعه تطبیقی علی‌نامه و شاهنامه، حیدری و فرمی‌پنی: ص ۱۶۵). همچنین این اثر از نظر تاریخ شعر شیعی و حماسه‌های شیعی دارای اهمیت است و سراینده آن نخستین کسی است که اختصاصاً به شعر شیعی پرداخته است و علی‌نامه نیز نخستین منظومه شناخته‌شده شیعی شناخته می‌شود. همچنین «این اثر را میتوان کهنترین تئنگاری فارسی درباره نخستین امام شیعیان بشمار آورد» (درباره علی‌نامه، ایرانی: ص ۶۱). ربیع نیز بر اینکه نخستین حماسه‌سرای مغازی امام علی (ع) به زبان فارسی است، وقوف داشته است (حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیعی کدکنی: صص ۹۳-۹۴).

شفیعی کدکنی تنها حدود دو سه هزار بیت از این منظومه را قابل نقل و ستایش‌آمیز میداند و بر انتساب ابیات سست منظومه بر ربیع تردید میکند و احتمال می‌دهد این ابیات سست بعثت سهل‌انگاری کاتب وارد منظومه شده است (مقدمه شفیعی کدکنی بر علی‌نامه: ص ۱۷). افشاری نیز ربیع را، مانند بیشتر مناقب‌خوانان، مردی غیردانشمند و نچندان فاضل معرفی میکند که به همین علت بیشتر ابیات علی‌نامه از لحاظ زبان و فنون شعری سست و ضعیف درآمده است و البته کم‌سوادی و بی‌دقتی کاتب علی‌نامه را هم در این ضعف بی‌تأثیر نمی‌داند (جستجویی در تاریخ مناقب‌خوانی و اشاره‌هایی به منظومه علی‌نامه، افشاری: ص ۲۶). کیوانی و ایرانی نیز اگرچه بر وجود ابیات خوش‌ساخت و محکم و مواضع درخشان در علی‌نامه معترف هستند، اشعار ربیع را کلاً در حد متوسط و منظومه علی‌نامه را از دیدگاه شعری جزو آثار میانه می‌دانند (به بهانه کشف و نشر علی‌نامه، کیوانی: ص ۱۸۴/ درباره علی‌نامه، ایرانی: ص ۶۱). موسوی گرمارودی نیز احتمال می‌دهد اشعار موجود در کتاب از دو نفر صادر شده و احتمالاً نسخه‌ای اصلی از علی‌نامه از همان قرن شاعر حقیقی آن، یعنی ربیع، در دسترس کاتب دیگری جز کاتب نسخه حاضر (محمد بن مسعود المقدم التستری) بوده و آن نسخه بر اثر کهنگی و مراجعه، نواقص و افتادگی‌هایی داشته است... و آن افتادگی‌های نسخه اصلی را متشاعری با نظم سست و ضعیف خود انباشته و کاتبان بعدی ناچار همان را رونویسی کرده‌اند (مقدمه موسوی گرمارودی بر به‌گزین‌نامه: صص ۲۴-۲۵) و دقیقاً بخاطر وجود همین ابیات سست است که ایشان به توصیه دکتر ایرانی تصمیم به گزینش ابیاتی شیوا از این منظومه و چاپ آن با عنوان «به‌گزین‌نامه» می‌گیرند.

منظومه علی‌نامه، نخستین بار توسط عبدالباقی گولپینارلی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه قونیه معرفی شد و پس از آن احمد آتش در مجموعه «زبان و ادبیات ترک» ضمن مقاله‌ای حاوی معرفی ۹۲ مجلد از نسخ خطی کتابخانه قونیه، به جامعه ادبی معرفی می‌شود (گزارش میراث مکتوب، شماره ۳۳، خداد و تیر ۱۳۸۸: ص ۱۶). این مقاله را خیامپور در نشریه دانشکده ادبیات تبریز (۱۳۳۴) ترجمه می‌کند. بعد از آن بوسیله احمد منزوی در فهرست

نسخ خطی فارسی معرفی میشود (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۴: ص ۳۰۰۸) و بعد از حدود چهار دهه، شفیعی کدکنی در سال ۱۳۷۹ در مقاله «علی‌نامه، حماسه شیعی از قرن پنجم» این نسخه خطی را که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۳۲۲ نگهداری میشود، به جامعه ادبی معرفی میکند. این منظومه ابتدا توسط شفیعی کدکنی و امیدسالار با چاپ عکسی در سال ۱۳۸۸ و بار دیگر در سال ۱۳۸۹ توسط رضا بیات و ابوالفضل غلامی در نشر میراث مکتوب چاپ شده است. در ادامه این اثر از لحاظ سبک‌شناسی مورد بررسی قرار میگیرد.

سطح فکری: اگرچه مضامین بسیاری در علی‌نامه دیده میشود، دو عامل موضوع و نوع ادبی خاص علی‌نامه (حماسه دینی) باعث شده است از منظر بسامد، دو مضمون اعتقادات مذهبی و تقلید از شاهنامه و در نتیجه ورود عناصر فرهنگ ایران باستان به منظومه، از مهمترین درونمایه‌های این اثر تلقی گردد.

اعتقادات مذهبی

محققان بر این باورند که ابیات آغازین منظومه فوت شده است و شاید این منظومه، تحمیدیه و ابیاتی در مدح پیامبر (ص) و سایر امامان داشته است.^۱ اگر آغاز این منظومه وجود داشت، از ابیات آغازین میتوانستیم علاوه بر تعیین دقیق مذهب ربیع، به اعتقادات و گرایشهای مذهبی او نیز براحتی پی ببریم، اما ربیع سخنش را از مسئله جانشینی پیامبر (ص) و تقسیم امت به دو گروه طرفدار «رفض» و طرفدار «اختیار» آغاز میکند.

در خصوص مذهب ربیع، هدایت‌پناه معتقد است صرف سرودن اشعاری در مورد امیرالمؤمنین و مدح او «نه تشیع امامی را اثبات میکند و نه حتی تشیع را» (تأملی بر مذهب سراینده علی‌نامه، هدایت‌پناه: ص ۴۸). وی پس از تعاریف متعدد از شیعه، بر روی یک تعریف بمنظور پی‌بردن به مذهب ربیع تأکید میکند و آن گروهی هستند که «به نص جلی، به امامت امامان دوازده‌گانه و غیبت امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) معتقدند» (همان: ص ۵۰). بنابر تحقیقات جعفریان و گلریز، سراینده این منظومه در صدد برجسته نمودن باورها و اعتقادات شیعیان است و سعی دارد به طرد دیدگاههای اهل سنت و برجسته‌سازی مفاهیم شیعی بپردازد که علی‌الخصوص در موضوعات اعتقاد به «نص» و رد «انتخاب»، «ولایت» و «امامت» جلوه‌گر میشود.

بعد از وفات پیامبر، در مورد جانشینی ایشان، مسلمانان به دو گروه تقسیم شدند. گروهی تعیین جانشین را امری الهی و به نص^۲ و تصریح پیامبر میدانند که از آن با عنوان شیعه نامبرده میشود و گروه دیگر که آن را به انتخاب و انتصاب امت جایز شمردند، به اهل سنت معروف گشتند. شیعه امامی، اساسیترین مفهوم اعتقادی خود را موضوع امامت براساس «نص» و رد «انتخاب» خلیفه قرار دادند. علی‌نامه نیز از مسئله جانشینی پیامبر و تقسیم مسلمانان به دو گروه طرفدار «نص» و طرفدار «اختیار» شروع میشود. ربیع در آغاز اثرش، ماجرای سقیفه را مردود می‌شمارد و امامت را نتیجه نص الهی و انتخاب پیامبر (ص) در غدیر خم دانسته و خلافت را نتیجه اختیار میداند (علی‌نامه: ۷-۱۳). بعلاوه عنصر نص را فرمانی الهی میداند:

همی گوی مدح امامان نص به فرمان و آیات قرآن نص (همان: بیت ۱۰۱۴)

و آن را «در راستای اثبات حقانیت امام علی (ع) و تشیع آورده و بر الهی بودن آن نیز اشاره میکند و در پی آن، امامت را نیز حق شیعه دانسته و به تواتر در کتاب خود آن را یادآوری میکند» (گفتمان شیعی در منظومه علی‌نامه، جعفریان و گلریز: ص ۸۰).

^۱ - البته ربیع در آغاز مجلس سوم از جنگ صفین به ستایش خداوند پرداخته است (ابیات: ۳۷۷۲-۳۷۷۹).

و دگرگونی در دین و شریعت را نتیجه کنار گذاشتن نص از سوی مهاجر و انصار قلمداد میکند (همان: بیت ۲۴۶۹-۲۴۸۰).

شیعه امامی بر این باورند پیامبر (ص) پس از خود امام علی (ع) را برای مقام ولایت برگزید که عالیت‌ترین نمونه آن در مسئله غدیر و حدیث منزلت نمود پیدا میکند و پس از آن بزرگوار نیز یازده نفر از اولاد گرامی ایشان، یکی پس از دیگری از ولایت غیراکتسابی برخوردار شده‌اند. بنابراین ولایت بعنوان یکی از عناصر مهم عقیدتی تشیع، از قدیم‌الایام در آثار متفکران شیعی و حتی غیرشیعی مطرح و جلوه‌گر شده است. ربیع نیز امامت را ولایتی میداند که از خدا به رسول و سپس به امام علی (ع) رسیده است و به الهی بودن عنصر امامت در شیعه معتقد است:

جهان‌آفرین چون جهان آفرید / ابر عرش نام ولی برکشید (۶۸۸۱) (و ۷۴۹۱-۷۴۹۵ و ۹۹۷۷-۹۹۷۸)

و از امامان، با عناوین «آل علی»، «آل عبا» (۵۶۵ و ۱۰۰۹۵) و «آل پیمبر» (۱۷۰) یاد کرده است، بعلاوه از امام صادق (۳۴) و دیدار علی (ع) با راهب، که در طی آن اسامی امامان با زبان عبری بر سنگی نوشته شده و علی (ع) را با نام «ایلیا» میخواند، سخن میگوید.

چو نام ده و دو گزیده نبی / نبشته بدو دید نامی وصی (ص ۱۶۶ و ۲۶۶)

همچنین در ابیاتی به به غیبت و ظهور مهدی (عج) اشاره میکند (۲۱۵۴-۲۲۱۶)؛ بنابراین «دغدغه اصلی شاعر در کنار بیان حوادث تاریخی و رویدادهای خلافت امام علی (ع) اثبات حقانیت او و تشیع دوزاده امامی میباشد.» (گفتمان شیعی در منظومه علی‌نامه، جعفریان و گلریز: ص ۷۲).

ربیع در سراسر منظومه‌اش گرایش اعتقادی و ایمانی خویش را پنهان نکرده است و این موضوع را حتی با القابی که به دشمنان امام علی (ع) نسبت میدهد، میتوان اثبات کرد. در سراسر منظومه جبهه مخالف یا دشمنان امام علی (ع) با صفات و القاب زشت یاد میشوند، بعنوان مثال زبیر را لعین ابن‌عوام پرخاش‌خر (ص ۳۲)، سگ بدنژاد (۶۲)، یا عبدالله بن عامرین کریز -برادر مادری عثمان- را بدنژاد و ساحر و سامری میخواند (ص ۱۵ و ۷۶) یا برای عمرو عاص این القاب را می‌آورد: عمرک عاص گنده‌دهن (۳۹)، لعین عمرک عاص پرمکر و فسق (۵۲۱)، عمرک بدکنش (۵۲۷۷). از تعداد بیشمار این القاب زشت که زبان اثر را زنده کرده است، به مواردی اشاره میشود: مروان دون (۵۶)، ابن شروح خسیس (۴۵۴۲)، پور صخر لعین (۶۱۸۹)، بوالاعور زشت‌رای (۶۲۴۸)، پورسفیان گبر دنس (۶۸۱۵)، سعد وقاص بیهوده‌کار (۱۰۴۴۷) و...

طعن بر شاهنامه در عین تقلید از آن و استفاده از عناصر ایران باستان

اغلب حماسه‌های دینی در مقابله و به پیروی از شاهنامه فردوسی سروده شده‌اند و صاحبانشان در ابیاتی، به فردوسی و شاهنامه او اشاره کرده‌اند و حتی گاهی سخن را به مفاخره و برتری اثر خود کشانده‌اند. ربیع نیز در منظومه‌اش، اگرچه از فردوسی با احترام بسیار یاد میکند و شاهنامه را دارای زبانی نغز و دلکش میداند، اما از شاهنامه انتقاد کرده است و قهرمانانش را افسانه و غیرواقعی و اصل آن را دروغ میداند و به همین علت آن را «مغ‌نامه» و علی‌نامه خویش را شاهنامه حقیقی خوانده است:

ز شهنامه و رستم و گیو و طوس / شنیدی بسی زرق و هزل و فسوس (۴۸۲۰)

حکیمان فاضل بدانند این / که شهنامه این است و مغ‌نامه این (۲۹۹۱)

^۱ -این موضوع را میتوان از منظر ترکیب‌سازی نیز مورد توجه قرار داد.

درخصوص علت اعتراض بر شاهنامه، افشاری یکی از موضوعهای مکرر در شعرهای مناقب‌خوانان را تحقیر شعر شاعران دیگر و معرفی شعر خود بعنوان برترین شعر، بعلت اختصاص آن به مدح امام علی (ع) و اهل بیت (ع) میداند، بخصوص اینکه آنان خاصه رقابتی با شاهنامه داشته‌اند و کوشیده‌اند که اشعار خود را برتر از شاهنامه جلوه دهند. افشاری علت توجه و اعتراض مناقب‌خوانان بویژه سراینده علی‌نامه به شاهنامه را، علاوه بر اقبال خاص مردم بر شاهنامه، شیعه بودن فردوسی میداند که از نظر مناقب‌خوانان بسیار دشوار بوده که یک شاعر شیعی بجای مدح و منقبت‌سرایی برای علی (ع) و آل علی (ع)، به اساطیر و افسانه‌های پهلوانی ایران باستان پرداخته باشد (جستجویی در تاریخ مناقب‌خوانی و اشاره‌هایی به منظومه علی‌نامه، افشاری: صص ۲۸-۲۹).

ربیع نیز -که افشاری او را از مناقب‌خوانان میداند (همان: ص ۲۵)- با وجود اعتراض بر شاهنامه، در سرودن منظومه‌اش، تحت تأثیر شاهنامه قرار گرفته است، بعنوان مثال در آغاز مجالس جنگ جمل و صفین، به شیوه فردوسی، خردمند را مخاطب قرار میدهد و و به ستایش خرد و خردمندی میپردازد:

الا یا خردمند روشن‌روان سخن‌گوی، روشن، چو آب روان (۱۰۴)

بر همین اساس حمیدیان معتقد است «هیچ‌کدام از حماسه‌های دینی، زبانی مستقل از زبان شاهنامه ندارند و صاحبان آنها چنان مقهور و مسحور کار فردوسی بوده‌اند که دانسته یا ندانسته، بسطیاری از مختصات عصر خود را فراموش کرده و آثار خود را اغلب به زبان و بیان شاهنامه عرضه داشته‌اند» (درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان: صص ۴۳۴-۴۳۵).

سراینده علی‌نامه مانند مناقب‌خوانان، با شاهنامه آشنا بوده و حتی برخی از ابیات علی‌نامه را به تقلید از شاهنامه سروده است. شفیعی کدکنی نیز معتقد است «از مطاوی گفتار ربیع مشخص است که شاهنامه را پیش چشم داشته است و به آن اشاراتی دارد» (مقدمه علی‌نامه، شفیعی کدکنی و امیدسالار: ص ۱۲). ابیات بسیاری از این منظومه، شباهت فراوان و تاملی با شاهنامه فردوسی دارند که به ابیاتی اشاره میشود:

جهان‌آفرین تا جهان‌آفرید / چو حیدر سواری دگر ناورید (۴۸۲۲)

بگفت این و گردنکشان را بخواند / از این در سخن پیش ایشان براند (۴۸۹۹)

ز بس بانگ طبل و دم‌کرنای / تو گفتی که هامون برآمد ز جای (۴۹۹۳)

جهان شد سراسر چو دریای قیر / نه بهرام پیدا، نه ناهید و تیر (۱۰۰۶۸) و...

البته بیات و غلامی معتقدند این ابیات مشابه میتواند از نوع توارد باشد.

بعلاوه ربیع، با وجود اینکه به توصیف داستانی عربی و قهرمانیهای دلاوران عرب پرداخته است، مانند مناقب‌خوانان، بعلت توجه خاصی که به شاهنامه فردوسی دارد، گاهی شخصیت‌های منظومه‌اش (البته بیشتر درخصوص دشمنان امام علی (ع): ناکثین و قاسطین) را با پهلوانان و بزرگان شاهنامه میسنجد: چو رستم رهی دارد ابن عمر (۳۱۳۱)، یکایک به مانده تهمتن (۳۸۰۹)، به مانند رستم به میدان کین (۳۸۴۴)، بر رایت جنگ چون پور زال (۳۹۰۰)، تو گفتی مگر زنده شد رستم (۴۰۸۵)، به مردی فزون‌تر ز اسفندیار (۴۱۱۴)، چو سرخاب جنگی و چون تهمتن (۴۱۶۸)، که مردی که او رستم دیگر است (۴۷۱۷)، سواری که گفتی مگر رستم است (۵۰۶۸)، ز رستم فزون است و اسفندیار (۶۷۸۹).

اگرچه ربیع «جنبه اساطیری و نمونه‌وار این قهرمانان ملی را همچنان محفوظ نگه میدارد و در قیاس قهرمانان دینی خویش، قهرمانان اساطیری را تحقیر نمیکند» (مقدمه علی‌نامه، شفیعی کدکنی و امیدسالار: ص ۴۱)، اما در ابیات معدودی، قهرمانان خویش را برتر از رستم و دیگر پهلوانان شاهنامه معرفی میکند:

اگر چند بُد رستم او مردِ مرد / چو گردی بُدی با علی در نبرد (۴۸۲۳)
 اگر عهد او در بدی رستم / غلامیش را بنهادی سر بر قدم (۴۸۲۴)
 گرفتم که تو رستم دیگری / منم رستم اوزن یل حیدری (۶۵۰۲)
 شجاعی که از گیو و اسفندیار / به مردی بدی بیش در گیر و دار (۷۹۵۹)

بعلاوه در سراسر کتاب، شاهد مفاهیم و تعبیرات مربوط به ایران باستان هستیم، مانند: فرس زیر رانش به مانند رخس (۱۶۰۷)، چو دیوان مازندران از ستیز (۳۶۵۴)، شد از خشم چون خشمناک اژدها (۳۹۰۴)، به مانده اژدهای دژم (۳۹۴۴)، تو گفتی که بر پشت باد اژدها (۴۰۵۷)، دو نیزه چو دو خشمناک اژدها (۴۰۹۷)، یکی لشگری چون کُه بیستون (۴۹۷۱)، که دارید پی بر دم اژدها (۴۹۹۹)، نشسته بر اسبی به مانند رخس (۷۶۲۱)، بجست اسب او همچو آذرکشسب (۶۶۶۳).

سراینده با اینکه به توصیف میدانهای نبرد و دلاوران عربی پرداخته، بعلت توجهی که به شاهنامه داشته و تعلق خاطری که بطور طبیعی به زمینه‌های اساطیری شاهنامه دارد، غالباً از وصفهای شاهنامه بهره بسیار میبرد و در سراسر کتاب تعبیراتی که نشان‌دهنده اشاره به ایران باستان در زمینه فرهنگی شاهنامه است، فراوان میتوان دید (مقدمه علی‌نامه، شفیع کدکنی و امیدسالار: صص ۴۰-۴۱) (حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیع کدکنی: ص ۱۲۷).

سطح زبانی

موسیقی بیرونی: وزن

مهمترین و موفقترین اثر حماسی که در بحر متقارب پدید آمده، شاهنامه فردوسی است و پس از وی تمام کسانی که در این حوزه قدم نهاده‌اند، شاهنامه را الگوی کار خود پذیرفته‌اند. این موضوع درباره علی‌نامه نیز صدق میکند (درباره علی‌نامه، ایرانی: صص ۶۳-۶۴).

دو عامل در انتخاب بحر متقارب برای سرودن آثار حماسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند: اول اینکه در این بحر شمار نسبی هجاهای کوتاه از هجاهای بلند بیشتر است و «همیشه تألیفی از الفاظ که در آنها شماره نسبی هجاهای کوتاه از هجاهای بلند بیشتر باشد، حالت عاطفی شدیدتر و مهیجتری را القا میکند و بالعکس، برای حالات ملایمتر که مستلزم تأنی و آرامش هستند، وزنهایی بکار میرود که هجاهای بلند در آنها بیشتر است» (زبان شعر، ناتل خانلری: صص ۲۵۷-۲۶۰). در بحر متقارب سالم، نسبت هجاهای کوتاه به بلند چهار به هشت است و در مقصور این نسبت، چهار به هفت است که در هر دو صورت تعداد هجاهای بلند از کوتاه بیشتر است و به همین دلیل این وزن با صلابت و رزانت خاص، مناسب محتوای حماسی است. عامل مهم دوم مسئله ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در این بحر است. «ارکانی که با هجاهای بلند شروع میشوند از ارکانی که با هجاهای کوتاه شروع میشوند، شادترند» (وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ص ۶۶).

موسیقی کناری: قافیه و ردیف

در حماسه، بدلیل تقدیم فعل و ساختار نحوی کلام، قافیه‌ها بیشتر اسمی هستند اما گزینش کلمه قافیه از نظر صوت، زنگ یا طنین و جنبه موسیقایی آن موضوعی است که شاعر حماسه‌پرداز باید به آن توجه کافی داشته باشد.

در دو هزار بیت مورد بررسی، چنین نتیجه حاصل شد که ربیع به قافیه اسمی گرایش دارد (۸۰٪/۳۳) و قافیه فعلی (۱۳٪/۳۳) و قافیه مرکب (یک مصراع فعلی و مصراع دیگر اسمی: ۶٪/۳۳) در جایگاه بعدی قرار دارند. یکی از جلوه‌های موسیقی کناری که سبب انسجام شعر میشود، مسئله غنای قافیه‌ها یا کاربرد قافیه‌های همسان است. هرچه میزان حروف مشترک قافیه بیشتر باشد (قافیه غنیتر باشد)، موسیقی بیشتری را القا میکند، بویژه قوافی مختوم به مصوت‌های «آ» و «او» که در پایان آنها امکان افزودن «ی» وجود دارد و به این وسیله میتوان تعظیم، تفضیم، صلزدن، هشدار و امثال آنها را مجسم کرد. در مواردی این همسانی شناسه‌های فعل را هم دربرمیگیرند. گاهی حروف همسان، جزو حرف اصلی واژه‌های قافیه هستند و گاهی نشانه جمع است و جزو واژه قافیه نیست. در علی‌نامه بسامد قافیه‌ای که دو حرف همسان در آنها وجود دارد، بیشتر است. بنظر میرسد ربیع به تنوع قافیه بیشتر از وحدت و همسانی قافیه توجه داشته است.

ردیف در علی‌نامه -آنگونه که شایسته داستانهای حماسی است- در اکثر موارد، ساده و کوتاه است، زیرا ردیفهای بلند باعث ازبین رفتن هیجان حماسه میشود و از آنجاکه فضا را برای روایت داستان تنگ میکند، شاعر را مجبور به سرودن ابیات بیشتری مینماید. در دو هزار بیت مورد بررسی، تعداد ۱۸۸ بیت مردف (۱۷٪ درصد) آمده و از این تعداد، ردیف در ۱۴۲ بیت فعل است که با منطق زبان حماسی سازگار نیست، چون «مصراعهای مختوم به فعل، آهنگ ملایمی دارند و از علو لفظ و صلابت زبان حماسی می‌کاهند» (انواع ادبی، شمیسا: ص ۱۰۴). البته بسامد بالای ردیفهای فعلی بعلت ساختار نحوی جملاتی است که از نظم طبیعی برخوردارند. در اینگونه جملات، فعلها در پایان قرار میگیرند و در جای ردیف ایفای نقش میکنند.

موسیقی درونی: آنچه از رهگذر ترکیب و تلفیق آواها و کلمات بدست می‌آید، واج‌آرایی، صدامعنایی، تکرار، جناس و سجع است که هرکدام اگر بگونه‌ای هنرمندانه بکار روند، در تکمیل موسیقی شعر حماسی نقش بسزایی دارند. **تجنیس:** جناسهای تام، لاحق، مضارع و زاید بسامد بیشتری در علی‌نامه دارند: **تام:** جوی-جوی (۳۲۳)، ربیع-ربیع (۲۲۷۷)، جهان-جهان (۲۹۵۲)، حرب-حرب (۳۰۹۹ و ۴۷۶۰)، شیر-شیر (۳۲۵۰)، جهان-جهان (۳۴۷۶) و ۱۰۴۹۸، هلال-هلال (۳۵۸۲ و ۴۱۰۳)، تنگ-تنگ (۳۶۸۸ و ۷۷۵۷)، سعید-سعید (۳۹۳۰)، فضل-فضل (۴۷۴۰)، زه-زه (۶۴۲۶)، باد-باد (۷۶۹۸)، داد-داد (۷۹۱۵)، کشته-کشته (۸۹۳۸)، داد-داد (۹۸۵۲)، شام-شام (۱۰۵۳۱)، زاید: یکبارگی-بارگی (۷۴۱)، حکم-حکیم (۱۹۴۴)، نامه-نامی (۲۴۵۲)، خیره-خیر (۷۳۹۶)، تند-تندر (۷۷۱۸)، سعد-سعید (۷۷۴۵)، کین-کمین (۷۸۰۳)، دین-دینار (۷۸۶۳)، سوگند-گند (۸۹۵۹)، وعد-وعید (۹۸۶۲)، شکار-آشکار (۱۰۳۹۶) / **لاحق:** است-پست (۲۶۲)، مهتر-بهتر (۶۰۳)، امام-انام (۱۱۴۵)، خشم-چشم (۱۳۱۵ و ۸۰۶۰)، گاه-چاه (۱۸۴۳)، پشته-کشته (۱۸۸۳)، خام-عام (۲۰۵۴)، ساج-عاج (۳۰۱۰)، رنج-گنج (۴۷۰۵)، جنگ-تنگ (۵۰۱۸)، نام-شام (۶۲۷۰)، تاب-خواب (۶۸۵۲)، خشم-چشم (۷۷۱۸) / **مضارع:** گمان-کمان (۲۸۱)، پند-بند (۹۹۳ و ۱۸۲۹)، عم-غم (۲۶۰۲)، فنا-غنا (۳۷۵۶)، جنگ-جنگ (۳۸۷۲)، گرد-کرد (۵۴۴۰)، پیش-بیش (۶۰۹۰)، مشت-پشت (۶۵۳۹)، شیر-سیر (۷۱۳۷)، گم-کم (۸۲۷۲)، علم-حلم (۱۰۰۵۰)، هلا-ملا (۱۰۹۰۷) / **خط (مصحف):** ننگ-تنگ (۳۱۶)، شیر-سیر (۱۶۲۸)، جمل-حمل (۲۲۸۵)، سپاه-سیاه (۳۸۶۵)، درست-درشت (۶۰۵۶)، پاک-باک (۶۱۶۰)، مشغله-مشغله (۶۷۵۰)، تنگ-تنگ (۷۷۵۵)، جنگ-جنگ (۱۰۱۶۰) / **لفظ:** صواب-ثواب (۲۴۲۶)، خواست-خاست (۷۷۲۹)، **اشتقاق:** سعید-سعادت (۶۶۰۳)، عالی-علی (۶۸۸۴)، علی-علا (۶۸۸۴)، **شبه‌اشتقاق:** عوام-عام (۲۷۰)، حلقه-حلق (۲۱۴۶) / **ناقص (حرکتی):** کُفو-کُفو (۸۲۰۷) / **قلب:** بهرام-ابرهیم (۶۴۵۰) / **مرکب:** کارزار-کار زار (۱۴۸۶ و ۲۵۱۸ و ۱۹۲۰)، تراب-ابوتراب (۲۳۷۸)، **مطرف:**

نام-نان (۱۲۱۲)، کار-کام (۵۶۴۰ و ۹۹۶۳) / **مزدوج**: فیروز روز (۲۶۶۶)، جنگی زنگی (۵۷۵۱)، خرچنگ-چنگ (۷۲۰۲)، آباد باد (۷۶۹۸)، افزون فزون (۸۰۰۰)، می‌داد داد (۸۴۹۴)، ستمگر مگر (۹۱۴۴)، پیروز روز (۹۹۶۱).
تکرار: تکرار واژه در ایجاد موسیقی شعر حماسی، نقش بسزایی دارد و آهنگ شعر حماسی را غنا میبخشد و موسیقی حاصل از وزن شعر را تکمیل میکند و اگر در گزینش نوع واژگان تکرار شده دقت کافی صورت بگیرد، در ایجاد تداعی معانی حماسی هم نقش غیرقابل‌انکاری دارد. اما تکرار در علی‌نامه به دو علت غیرهتیری است: اولاً هماهنگیهای آوایی (واج‌آرایی) علاوه بر بسامد اندک، بسیار ضعیف پرداخته شده‌اند:

حسین علی را علی ولی / فروداشت در قلب از پردلی (۱۰۷۸)

بر اشرف خلق می‌آمدند مشرف به تشریف دین میشدند (۱۷۹۶۰)

درآوردگه رفت چو شرزه شیر / بغرید چون تند تندر دلیر (۵۱۴۵)

نبی را نگه تا به رویش فتاد / رخش گشت خندان دلش گشت شاد (۵۶۱۳)

سعیدبن مالک بد آن شیرگیر / که در چنگ وی شیر بودی اسیر (۶۵۶۷)

هوا قیرگون شد زمین نیلگون / بیاورد گردون چراغش برون (۷۳۸۲)

مرا یار جبار بی یار و بس / عدو را غم و غار بسیار بس (۸۸۱۵)

ثانیاً تکرار کلمات در این منظومه کاملاً غیرهتیری است و عمدتاً بصورت تکرار یک کلمه، بصورت پشت‌سره یا با اندکی فاصله در یک مصرع است: که ما را از این غم غم آید فزون (۲۶۰۲)، که دشمن به هر حال دشمن بود (۳۱۵۴)، که باشد چنین کار کار محال (۳۲۷۷)، نه این بود کند و نه آن بود سیر (۴۱۰۱)، رضاشان رضای خدای سماس (۴۲۹۹)، شب تیره از تیره لشکر کشید (۵۱۰۵)، منم بن خدیج آن که یک مرد مرد (۵۱۴۰)، ببرید شمشیر شمشیرزن (۵۳۱۵)، مقام یلان از یلان بستند (۶۳۰۹)، عدو گوید آنکس عدوی من است (۶۸۷۹)، ز بس چاک چاک سنان و حسام (۷۳۳۱)، من آن مرد عباس عباسی‌ام (۷۸۴۱)، علی بی گمان الامان الامان (۸۳۵۸)، ز بس چاک چاک سنان و سیر (۹۰۵۱)، چه حیدر مرا چه حسین و حسن (۱۰۳۴۱) و...

سبک‌شناسی واژه‌ها: علاوه بر وجود واژگان حماسی در منظومه، دو دسته از واژگان کهن و دینی، بسامد بسیاری در اثر دارند:

لغات کهن: همانطور که شفیع کدکنی اشاره کرده است، در زمینه لغات و واژگان کهن میتوان این منظومه را گنجینه گرانیهایی دانست که برخی از این ترکیبات و واژگان در فرهنگ شواهد اندکی دارند (حماسه‌ای شیع از قرن پنجم، شفیع کدکنی: ص ۱۳۰): کژکن (۱۳۰)، مستی کردن (۳۰۷)، شنبلید (۳۲۲)، هودج (۷۸۰)، هیچ‌در، در معنای «هیچ وجه» (۱۱۸۷)، پرخاشخ (۱۲۶۲)، توبره (۱۴۳۳)، دمان (۱۵۸۱)، خسته (۱۶۵۰)، خایسک (۲۱۷۵)، زی (۲۳۴۶)، فرامشت (۲۳۹۶ و ۴۰۹۰ و ۹۰۶۷)، خار (۲۴۲۷)، غراب (۲۵۲۴) بهرای در معنای: «برای چیزی»: ز بهرای حرب (۲۶۶۰)، همپر (۲۷۱۰)، سیماب (۲۷۸۳)، مقناع (۲۷۸۴)، زرغام (۴۱۳۲)، ز بهرای دین (۳۷۶۳ و ۵۱۲۰)، سر به سر (۴۱۴۰)، پرز (۴۱۷۲)، نوند (۴۶۳۶)، ریب (۵۰۱۴)، برگستوان (۵۱۵۸)، گسی کردن (۶۱۹۳)، گوشمال-همال (۶۵۱۶)، هبا (۶۷۷۳)، بنفش (۷۰۸۲)، هزبر (۷۲۳۷)، خوشاب (۷۲۷۱)، شعر-نوند (۷۲۸۴)، ورد (۷۳۹۴)، سقلاب (۷۸۱۹)، بدنشان (۸۵۳۹)، خیره خیر (۸۵۷۴)، خطر (۸۸۵۴)، داوری (۸۹۱۳)، دوالین (۱۰۵۸۷) و ...

واژگان عربی: اولین چیزی که در منظومه علی‌نامه جلب توجه میکند، لغات عربی آن است که هم به اقتضای موضوع حماسی-دینی آن و متناسب بودن با مذهب شاعر و هم با استناد به نظر شفیع کدکنی که احتمالاً شاعر

متن منظوم به عربی در دست داشته و آن را به نظم فارسی درآورده است؛ اگرچه ایشان استعمال این واژه‌ها را در مقیاس عصر مؤلف، زیاده از حد و بافراط میداند (حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیعی کدکنی: ص ۱۳۰). واژگان عربی بکاررفته در این منظومه بر دو نوع است: نوع اول، واژه‌هایی است که به اقتضای زبان حماسی در این منظومه راه پیدا کرده است، مانند سنان، صف، نظاره، رکاب و... نوع دوم واژه‌های مختص به فضای مذهبی حاکم بر منظومه است که در محیط عربی و در برخورد شخصیت‌های عربی با یکدیگر شکل گرفته است. مانند: صالح المؤمنین (۲۸)، حرب (۷۷)، نص و اختیار (۹)، صاحب غار (۱۳)، حرب جمل (۱۰۰)، فخرالبشر (۱۶۹)، وصی النبی (۱۸۲)، سعیر (۲۹۲)، سلب و سطب (۳۲۶)، عَزَز (۴۰۳)، میز (۴۱۷)، خیر البریه (۸۸۲)، عدیل (۹۱۷)، رمح و حسام (۹۴۳)، انام (۱۱۴۵)، صلاح و فلاح (۱۱۹۷)، هودج (۱۲۷۳)، نیران (۱۳۳۰)، مضاف و طواف (۱۳۴۸)، دنس (۱۳۷۵)، ابطحی (۱۳۹۶)، رب السما (۱۴۴۸)، وغی (۱۵۸۵)، عکبر (۱۶۰۶)، ضرب و طعن (۱۸۴۷)، حناح (۱۸۴۷)، الامان‌الامان (۲۱۶۵)، احتیال (۲۴۱۰)، امطار و قفار (۲۶۴۵)، مخمور (۲۷۶۶)، مقناع (۲۷۸۴)، تفضل (۳۶۰۵)، صمصام (۳۱۱۹)، سطب (۳۱۴۰)، نکالت (۳۲۸۵)، منهزم (۳۸۷۸)، غراب (۳۹۰۱۹۹)، ضرب الرقاب (۳۹۷۸)، نعم الثواب (۳۹۷۸)، لامع (۴۸۱۱)، اسکت (۵۰۴۴)، اخی (۵۱۹۴)، حمیت (۶۶۰۹)، حیل (۸۹۱۳)، علی‌الوفا (۱۰۸۹۱)، قلیل و کثیر (۱۰۸۸۲)، علیک‌السلام (۱۰۹۷۵)، شکمس الکبار (۱۰۴۲۳) و...

واژگان حماسی: فضای یک داستان حماسی نیازمند واژگان حماسی است و «در زبان حماسی، بسامد لغات حماسی و ابزارهای حماسی زیاد است» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۱۶). از سوی دیگر واژگان در اثر حماسی، غالباً بر مدلولهای عینی و حسی دلالت میکنند و در ایجاد تداعی معانی حماسی نقش مهمی دارند. در دوهزار بیت موردبررسی، تعداد ۵۴۰ واژه حماسی یافت شد، که از این میان تعداد ۸۹ واژه از ابزارهای حماسی هستند که شمشیر و تیغ با تعداد ۲۱ بیشترین بسامد را داراست. ۴۳ واژه به نامهای حیوانات درنده که بیشتر طرف تشبیه پهلوانان قرار گرفته‌اند مربوط است که شیر بیشترین بسامد را داراست. همچنین تعداد ۷۹ فعل حماسی بکار رفته است، افعالی مانند برآویخت، بزد، بکشت و ...

ترکیبات: در اثر حماسی، بیشتر ترکیبات حماسی و با کلمات فارسی سره ساخته شده‌اند و در تداعی معانی حماسی و تکمیل موسیقی لفظی و معنوی شعر نقش دارند. ترکیبات موجود در منظومه بر دو نوع کلی است: نوع اول، ترکیباتی حماسی است که بیشتر تقلیدی از شاهنامه هستند و نوع دوم ترکیبات و صفات ساخته‌شده برای حضرت علی (ع) است که در نوع خود بی‌نظیر است و گاه تمام یک مصرع را دربرمیگیرد، از جمله: صالح المؤمنین (۲۸)، وصی پیامبر (۳۰)، آفتاب هدی (۲۰۲)، داعی راه راست (۲۵۳)، امید بتول، آفتاب وصی (۹۱۵)، سید اهل خیر (۹۷۰)، سالار ایمان (۱۰۲۴)، جفت بتول (۲۰۱۵ و ۴۳۳۹)، شیر ملی (۲۲۴۸)، شهنشاه عالم ستون وفا (۲۳۷۱)، امام هدی، آفتاب کرم (۲۴۳۸)، وصی نبی حیدر نیکبخت (۳۵۷۸)، میر دین (۴۲۵۰)، وصی امین مصطفی (۴۶۴۳)، شاه هدی (۴۶۵۰)، خورشید دین مرتضی (۴۸۰۳)، شیر شمشیرزن (۵۳۲۱)، شاه عرب (۵۳۳۰)، امام هدی حیدر دین‌پناه (۵۷۴۱)، آفتاب عرب (۴۶۵۳ و ۶۷۵۲)، آفتاب شرف (۴۶۸۰)، آفتاب سعید (۴۸۷۰)، سالار بی‌عیب و ریب (۵۰۱۴)، شیر ایزدپرست (۵۳۱۲) شهسوار خلیل (۵۴۲۴)، شاهنشاه داد و دین (۵۸۶۲)، مهتر دین و داد (۶۰۱۲)، شاه با دین و داد (۶۲۴۷)، سالار دین (۶۸۲۰)، وصی نبی حیدر شهسوار (۷۱۲۰)، دین‌پناه (۷۱۲۶)، زینت مهر و ماه (۷۱۷۸)، سپه‌دار دین (۷۲۳۱)، شه ذوالفقار (۷۲۶۵)، آفتاب حجاز (۷۳۵۳)، امام هدی رهبر مؤمنان (۷۴۵۶)، مهتر داد و دین (۷۷۴۱)، حیدر پاک دین (۸۰۰۰)، علی‌ولی آفتاب بشر (۸۰۵۰)، شاه مردان و شیر شکار (۸۵۳۵)، امام ملی (۱۰۵۹۵) و...

مسائل مربوط به تلفظ

تشدید مخفف: خلافت به فرمان عمر سپرد (۱۵)، چو میرفت عمر ز دنیا برون (۲۴)، بخرتی همی آلت کارزار (۵۴۱)، ببیند بسی رنج تن عمّ من (۸۸۵)، ز کردارتان اخ و همدمّ من (۸۸۵)، علی گفت پس بن‌عوام را (۲۷۵)، شدند آن زمان همه سرکشان (۷۳۲)، خبر یافتم ای ولیّ خدای (۱۰۶۰)، به فتراک بر بسته یکی کمند (۱۶۲۰)، بگو تا بیارند یکی هیون (۲۰۷۶)، وصیّ نبی مرتضای امین (۳۲۰۰)، که وی پای دارد ابر دمّ مار (۳۳۳۲)، بچشتی یکی جاودانی عذاب (۳۷۰۰)، چه نازی تو چندین به مردیّ خویش (۴۰۵۳)، کرا خواند یزدان سخیّ و غنیّ (۴۱۴۱)، بغرید چون تند تندر دلیر (۵۱۴۵)، برون آمد از گرد یکی سوار (۶۰۰۲)، وصیّ نبی حیدر شه سوار (۷۱۲۰)، همیدون جواب آمد از چپّ و راست (۷۵۱۰)، علیّ ولیّ آفتاب بشر (۸۰۵۰)، معادیّ بدخو درآمد به جوش (۹۰۳۵)، ولیّ خداوند، شیر عرین (۱۰۲۰۷) و...

تخفیف: تبه (۲۳۱)، سیه (۸۱۵)، جایگه (۸۳۵)، آوردگه (۱۶۰۰)، بدو (۲۰۲۰)، کمینگه (۲۰۵۶)، یکدگر (۲۱۷۵)، کان (۳۰۲۱)، بهش (۳۰۵۹)، ره (۳۶۶۱)، بُد (۳۷۹۱)، چاچاک (۳۸۱۳)، اهرمن (۴۱۴۶)، شهنامه-فسوس (۴۸۲۰)، آگه (۴۹۹۹)، دگر (۵۱۳۰)، سپه (۵۸۶۲)، شاهنش (۵۸۶۲)، رزمگه (۶۵۵۱)، شهنسوار (۶۷۸۹)، شه (۷۲۶۵)، نگه (۷۴۲۷)، آوردگه (۷۸۳۰) و...

اببدال: پیروزه (۲۵۲۵)، کژ (۳۲۳۵)، هزبر (۴۱۶۰)، زفان (۴۴۰۸)، نبشته (۴۸۰۳)، فیروزگر (۵۸۷۹)، پیل (۶۲۱۷)، زفان (۷۱۸۶)، لاژورد (۷۲۸۴) دفشنده (۸۰۶۸)، سخون (۱۱۱۳۱ و ۸۶۹۶)، اشتر (۱۰۹۹۱ و ۱۰۹۷۳)، و...

اماله: اسلیمیان (۱۸۹)، سلیج (۱۹۵)، تیغ و سنین (۶۲۷)، دویت (۲۴۳۸ و ۱۰۱۹۵)، خلیف (۲۸۷۱)، توریت (۵۹۶۳)، حجیز (۶۱۲۳)، رکیب (۶۲۷۷)، دفین (۸۹۴۱)، رمیح (۹۰۰۶)، حجیز (۹۰۷۸) و...

کاهش (حذف): ستقبال (۱۷۷۰)، کنون (۲۰۷۶) یکدگر (۲۱۷۵)، چهر (۲۷۸۳)، ستیز (۳۶۵۴)، انده (۴۱۸۱)، دگر (۵۹۹۲)، نشابور (۶۰۰۶) فزون (۶۷۸۹) زانستر (۹۰۳۵)، هیجای (۹۱۱۱)، بلیس (۹۸۳۳)، فروشاند (۱۰۸۴۹)، و...

کاربرد «هاء» زائد: حیدره (۱۴۳۳ و ۶۲۶۲)، ستمکاره (۲۶۳۵ و ۳۰۲۱ و ۴۰۱۰ و ۴۷۲۲ و ...)، ماننده (۵۱۶۰ و ۷۲۵۵) و...

نحو و دستور زبان

کاربرد حرف «را» در معانی مختلف: جامه را چاک کرد و میزد آه (۵۵۸)، چو مویی شده کام را بس تنک (۶۰۸)، خویشتن را گرفت در اندوه (۸۹۳)، ور بود خصم را تن از خار (۱۰۴۳)، چنین داد ما را پیمبر نشان (۲۲۱۱)، تو را هست معلوم از این حال و کار (۲۴۸۱)، که گفتست حیدر تنم را سر است (۳۳۲۹)، دهم من تو را خلعتی نو دگر (۵۵۸۶)، نبی و وصی را چو فرعون بدند (۱۰۱۰۱) و...

*** دو حرف اضافه در دو طرف یک متمم:** بر او بر اجل نامه عزل خواند (۲۰)، به مسجد درون رفت آن دین و داد (۲۱۴)، به شمشیرشان در محابا نبود (۳۶۰)، به خواب اندرون چشمها خفته شد (۳۸۵)، بدان نامه در یاد کرده تمام (۸۱۸)، حسن رفت بر منبر کوفه بر (۹۳۳)، به دریای فتنه درون ره مبر (۱۱۲۸)، به رخ برش، خونابه تازنده شد (۱۵۰۱)، به چشم خرد کن به خود در نظر (۳۰۵۹)، به نامه درون داده دلشان بسی (۴۵۹۶)، به شام اندرون

کرد ملعون مقام (۴۶۱۳)، کنم من ورا زنده بر دار بر (۴۷۵۳)، تو را پاسخ آرم بدین گفته بر (۵۰۶۵)، به حلم اندرون بود نوح حلیم (۵۴۲۴)، به عالم درون گشت خواهد سمر (۷۳۷۷)، به آهن درون غرقه تا سر به پای (۷۸۲۸)، به خون اندر آغشته‌اید این چنین (۸۸۸۴)، فرستاد کسها به روم اندرون (۱۱۱۹۲)،

کاربرد «همی» قبل از فعل ماضی: همی بود تا روز شد در حجاب (۳۲۱)، همی خورد جان عدو بی‌درنگ (۱۶۸۴)، همی رفت تا درگه پور صخر (۲۷۴۴)، همی کرد از نوک آتش رها (۴۰۹۷)، همی رفت از اندام او خون چو جوی (۵۳۳۲)، همی جست چون برق و میزد درخش (۷۶۲۱)، ز محشر همی داد آن شب نشان (۸۷۱۷)، همی بود خرسند او از خری (۹۷۸۴).

بکارگیری حرف اضافه اندر: برفت اندر آن حال عمار پیر (۱۷۵)، خداوند شمشیر اندر وغا (۲۱۷۵)، چه اندر سفر بُد چه اندر حضر (۳۷۹۱)، اجل بود پروانه اندر هوا (۴۹۹۱)، همه قوت اندر تنش جمله کرد (۶۵۸۳)،

کاربرد تاریخی فعل ماضی استمراری: که کردی سوی جنگ بدخواه رای (۱۰۶۰)، همی رفت و ناسودمی یک زمان (۳۳۰۰)، شجاعی که بگسستی از کین به دست (۶۴۳۷)، چو ره یافتی کام راندی بر اوی (۶۸۷۱)، شدی کوه رویین به مانند گرد (۷۲۳۵)

جدایی «می» از فعل استمراری: که ایدون چه جویید می این زمان (۵۷۵۳)، که می روی داری تو از ما نهان (۵۸۷۸)، ز بند قضا جست می کی توان (۶۱۵۹)، تو می‌فخر جوی به ملعون پدر؟ (۶۴۶۳)، شب و روز می رشوت و مال خورد (۷۲۹۶)، که تا می چه جویید به فرقان درون (۹۴۸۰)، نترسی تو می از خدای جهان (۹۹۸۹)، نبود از آن در که می عمرو خواست (۹۸۹۸)، تو این توبه می از پی جان کنی (۱۰۰۳۷)

کاربرد حرف ندای عربی با لغات فارسی: یا نامداران (۲۳۵۱)، ایا خاکسار (۲۷۶۴)، ایا یا خردمند (۳۰۶۴)، ایا گرد لشگرشکن (۳۸۳۷)، یا شیرگیران (۳۹۰۵)، یا گردگیران (۴۷۲۴)، ایا سرفراز حجاز (۶۲۰۲)، ایا لاف زن (۷۲۰۰)، یا پیر دانا (۷۸۵۵)، یا دشمن (۸۰۵۳)، ایا مهتر کاردان (۸۴۹۰)، یا مهتر (۸۵۲۴)، یا نامداران (۱۰۳۶۶)، ایا پور هند (۱۱۰۱۰) و...

کاربرد «ی» شرط در پایان افعال

اگر نه کریمی بدی طبع من / بفرمودمی گردن تو زدن (۲۵۱۰)
که گر پشت دشمن شکسته شدی / بدین هر دوان باز بسته شدی (۶۷۰۲)
اگر نیستی تخم جنگ و بلا / تن ما نبودی در او مبتلا (۷۹۴۸)
سواری که گر که گرفتی به چنگ / بکندی ز بن کوه را بی‌درنگ (۷۹۵۸)
کاربرد «یکی» در جایگاه ادات نکره: یکی نامه داد او به دست علی (۲۲۴۸)، یکی زی شجاعان دین بنگرید (۵۰۷۴)، یکی لخت پهلوی آن پیل تن (۵۳۱۵)، به فرزند سفیان یکی کرد روی (۶۰۵۹)، زد از خشم یکی بانگ جنگی بر اسب (۶۶۶۳)، یکی جان‌ستان نیزه اندر کفش (۷۲۲۱)، یکی سوی دشمن نگر این زمان (۸۴۹۰)، یکی مجمعی سازی از مهتران (۹۴۹۱)، گرفتش یکی بازوی آن لعین (۱۰۶۴۴)، و...

استفاده از حرف اشاره «آن» و «این» پیش از فاعل: چو با نص نبذ آن سپه را شکیب (۱۰)، ز کردار این حیدر کینه‌ور (۱۳۴۲)، ز کین اندرآمد چو آن اژدها (۱۵۷۸)، در آوردگه رفت آن جنگجوی (۱۶۰۸)، چو چوگان زدی تیغ، آن نامجوی (۱۶۳۷)، در آن تیرگی تافت آن دو سنان (۱۵۸۳)، ز کینه بر آن شیر ایزدپرست (۵۳۱۲)، چو

سیراب شد آن فراوان سپاه (۵۹۳۵)، به میدان درون رفت آن سرفراز (۷۲۲۳)، چو زین در سخن آن مغیره بگفت (۷۲۲۹)، چو تنگ مغیره رسید آن سوار (۷۲۴۰)

کاربرد واو عطف یا ربط در آغاز ابیات و مصرعها: و برکنند آن سنگ محکم ز جای (۵۹۲۹)، و بفروختم دین به دینار تو (۷۸۶۳)، و من بودم آن روز بر بام خویش (۷۹۹۰)، و میرفت خواهی به میدان درون (۱۰۳۳۳)، و بر ما کند همچو زهر این دمشق (۱۰۵۵۲)، و بر دشمن دین شود جای تنگ (۱۰۵۴۳)، و بفرست فردا بروی پگاه (۱۰۵۵۷)، و بر مصطفی هم درود و سلام (۱۰۶۶۹)، و در ساده‌ای برکشید آن جماد (۱۰۷۳۱)، و بگذاشت آن شب به اوطان خویش (۱۰۸۰۰)، و بر من نگوید سلام و درود (۱۰۹۷۳) و...

کاربرد «مر» به همراه «را»: به خنجر مر او را جگرخسته کرد (۲۳)، به یکباره بپذیر مر پند را (۱۶۱۰)، فرشته مر او را چو پروانه شد (۲۲۶۵)، که کردی تو مر قیس را بیگمان (۳۲۸۵)، سعادت رسد مر ورا بیشمار (۴۲۱۱)، مر او را تو باشی همی غمگسار (۵۰۳۷)، چو حیدر مر او را برون رفته دید (۷۲۳۸)، مر او بیشتر زین و ما را بپای (۷۳۲۱)، بدل کرد مر اسب را بیدرتنگ (۸۵۸۶)، مر او را از آن رزمگه بازخواند (۹۴۰۱)،

جابجایی صفت و موصوف: تیره‌موی (۸۱۵)، شکسته‌کمان (۱۱۳۸)، تیره‌شب (۱۵۸۳)، صادق رسول (۲۰۱۵)، تابنده‌مهر (۲۷۸۳ و ۶۷۷۲)، غرنده شیر (۴۰۰۶)، گزافه‌سخن (۴۱۴۵)، پژمرده بستان (۶۱۱۹)، جنگی پلنگ (۶۵۷۰)، رخشان‌درفش (۷۰۸۲)، هنرمند پیران (۷۷۵۶)، دانشی مردم (۱۰۰۹۰)،

استفاده از دو حرف ربط «که» و «تا» در کنار هم: که تا دیگ اومیدشان پخته شد (۱۶۳)، که تا روی یارش چو گل برشکفت (۲۱۲)، که تا پور سفیان شدش چون ریمن (۵۲۲)، که تا او بیارد سپاهی به کین (۴۲۵۰)، که تا نزد مرگش شوم رهنمون (۶۵۶۹)، که تا کی کشد مهر گیتی‌فروز (۷۰۸۰)

ساخت قید با ترکیب حرف اضافه و صفت یا اسم: به فور (۲۸۷)، اندر زمان (۶۹۹)، اندر سعت (۳۷۹۹)، از یقین (۴۵۶۸)، به تاب: فورا (۶۱۳۶)، اندر نهفت (۷۰۲۵)، به تفت (۷۴۵۰)، از گزاف (۸۱۸۰)،

بکار بردن قیود و جمله‌واره‌های خاص شاهنامه: یکایک بکردند بر وی سلام (۱۹۳)، هم اندر زمان میر فرخ نژاد (۹۳۰) سبک طلحه نزد حمیرا دوید (۱۲۳۴)، سبک نیزه برداشت ابن عوام (۱۳۷۳)، سبک زاستر شد به سه روزه راه (۴۵۳۰)، هم اندر زمان آفتاب سعید (۴۸۷۰)، یکایک در آن حال پیر و جوان (۶۶۵۹)، تو گفתי روانش ز تن شد برون (۷۱۹۰)، سبک عمرک عاص را پیش خواند (۸۱۲۲)، تو گفתי قیامت شد آن گاه راست (۸۴۵۴)

کاربرد فعل لازم در معنای متعدی: به نعل فرس پشت ماهی بسوخت (۴۰۳۰)، ز پیروزه گون چتر گل بشکفید (۵۴۶۴)، دعا کرد بر جان وی چون سزید (۷۲۳۸)

کاربرد «بیش» بجای «بیشتر»: ز شوری نگویم سخن بیش از این (۳۲)، دوصد مرد در خانه رفتند بیش (۱۹۴)، به مردی بدی بیش در گیرودار (۷۹۵۹)

جابجایی ضمیر: چو مان بازگشتن به محشر بود (۱۶۱۱)، تو فرماندهی مات فرمان‌بریم (۲۳۵۹)، عطای منت راحت روح باد (۳۴۲۴)، طلب کردی و وامدت مرگ پیش (۶۵۷۲)

تقدیم فعل: برآمد ز یثرب غواز چپ و راست (۱۳۷)، فشاندند آتش دو گرد از سنان (۱۵۸۱)، بفرمود کردن سبک ساز حرب (۴۷۶۰)، همی گفت هرکس که برداشت آب (۶۸۶۳)

کاربرد افعال پیشوندی: فروهشت تا پای شب تیره‌موی (۸۱۵)، به دریا فرورفت شب سرنگون (۳۸۶۹)، چو برقی بجست و به زین در نشست (۴۱۲۳)، به دریا فرورفت زرین سپر (۴۹۰۶)، فروگسترید (۷۱۴۲)، فروخفت بر پاسگه بانگ زنگ (۷۸۲۰)

کاربرد وجه مصدری: چو دنیا از او خواست پرداختن (۱۴)، ز دشمن بکردن شیران شکار (۱۳۳)، بفرمود کردن سبک ساز حرب (۴۷۶۰).

جابجایی ارکان جمله: پشیمان شدم گفت و زاری نمود (۸۵۵)، معین بادتان گفت جان‌آفرین (۱۰۷۵)، به تو گفت شد کار اسلام راست (۱۱۳۷)،

کاربرد «کجا» در جایگاه حرف ربط: کجا ساختند از بنه دام جنگ (۶۲۳)، کجا خفته بُد فتنه بیدار شد (۶۲۴)، کجا برد مالک سپه تنگ آب (۶۷۴۸)

کاربرد بسیار زیاد «با»، «ابی»، «ابر»، «ایدون»، «ایدر»: خداوند کین را ابر آشکار (۳۱)، به نزد حمیرا ابا انجمن (۶۹۹)، محمد همیدون به کین حمله برد (۱۳۳۰)، به نظمی پیورده اندر خرد (۲۳۰۱)، همیدون برفتند یکباره پس (۵۳۵۰)، ابا دشمن دین کتاب خدای (۹۴۳۰) و...

کاربرد نشانه جمع «ان» با اسم معنی: غمان کهن تازه شد بر علی (۵۱۸۷)، تو گفتی رها کردشان از غمان (۸۰۳۲)، غمانشان بیفزود و شادی بکاست (۸۳۲۸)، بیودند آن روز اندر غمان (۹۰۱۰)،

کاربرد جمع عربی با نشانه‌های جمع فارسی: ناکشیمان (۱۷۰۱ و ۱۷۱۳ و ۱۷۵۰ و...)، احوالها (۱۷۲۷)، کتبهها (۲۰۵۷)، رایاتها- آیاتها (۱۳۴۳)، ارواحها (۶۶۱۳)، قاسطینان (۶۱۴۳) و...

کاربرد انواع «الف» تعدیه، اطلاق و...: تو رسوا مکن حق پیغمبرا (۷۷۵)، که باشد مر او را چنین خواهر (۲۰۰۹)، ولیکن بدش مالک اشترا / به مهر و وفا بنده حیدرا (۹۳۹۶)، به مهر دل خویش بنواختیا (۱۰۴۶۶)، برفتند به قصر اندرون یکسرا (۱۰۸۴۹)، چنین بود احوال آن صفدرا (۱۰۹۳۴)، بغرید مانند شیر نرا (۱۰۹۹۹)، طلبکار تو آمدم ایدرا (۱۱۰۲۱)، ز بهرای او گشته‌ام غم‌خورا (۱۱۱۵۱)، کزین مالک اشتر سرورا / به پیش علی رفت چو صفدرا (۱۱۱۵۹)،

کاربرد «زین» در معنی: «بسوی»: ردا برد زین بر عبیده به تفت (۳۰۸۴)، همی رفت زین مالک او شادمان (۴۵۹۲)، که آن کشته را زین من آرید هان (۸۳۳۷)،

کاربرد خاص اعداد: دوصد مرد در خانه رفتند بیش (۱۹۴)، در آن حال جنگی ده و دو هزار (۷۸۰)، چو نام ده و دو گزیده نبی (۵۹۲۰)، پس آن هر ده و دو ابا انده‌هان (۹۰۱۰)، فزون بد دو پنجه هزار از سوار (۹۱۳۳)

استعمال «ش» و «شان» زاید: چنین پاسخ آورد عبداللهش (۳۵۵)، به شمشیرشان در محابا نبود (۳۶۰)، چون آن بارگی‌شان بخوردی گیاه (۳۶۵۷)، که شان گفت شیر خدای جهان (۵۳۳۹)، سپه کرد عرضه، درم دادشان / به درگاه حیدر فرستادشان (۵۶۵۵)، به تن‌شان درون استخوان (۶۶۹۱)، وزان درق‌هاشان بشد خردخرد (۶۴۷۳)،

فاصله افتادن میان اجزاء فعل مرکب: همی کرد هر یک چو شیطان فریب (۱۰)، زده بر خلافت ز شوری رقم (۲۵)، ز خنده فروبست خورشید لب (۳۱۶۲)، که چون برکشد شیر شرزه نغیر (۳۴۰۱)، چگونه کشید آن شه‌نشاه دین / به شمشیر یزدان ز بدخواه کین (۴۸۱۹)

کاربرد «ب» بر سر فعل ماضی: برفتند اندر قفایش چو باد (۱۷۶)، برفتند بیرون به فرمان وی (۶۵۰)، بگفتا بگیرد این مرد را (۱۳۰۰)،

کاربرد «شدن» در معنی رفتن: چو زی دانه شد دام مردانه دید (۳۱۳۳)، شدند سپه بار دیگر به راه (۳۶۵۷)

صورخیال در علی‌نامه، (صرف‌نظر از مبالغه) محدود به تشبیه و استعاره شده است و توجه به این دو جنبه تصویری باعث شده شاعر از پرداختن کافی به سایر جنبه‌های تصویری بازماند و همانطور که طغیانی و دیگران در مقاله خود نوشته‌اند، در علی‌نامه «کاربرد استعاره به نسبت تشبیه کمتر است و مجاز و کنایه در آن نمود چندانی ندارد» (توصیف و وصیف‌گری در منظومه حماسی علی‌نامه، طغیانی، آقاحسینی و نیک‌روز: ص ۱۲۵). درست بعلت ضعف از منظر ادبی است که کیوانی معتقد است «علی‌نامه را بیش از منظر هنری، باید از منظر ارزشهای آن از لحاظ تاریخی، تحول حماسه‌های دینی، سبکی، زبانشناسی، حتی لهجه‌شناسی و شیوه‌های روایی در حماسه‌های مذهبی بررسی کرد» (به بهانه کشف و نشر علی‌نامه، کیوانی: ص ۱۸۶)؛ زیرا هدف اصلی ربیع، بیان جنگهای جمل و صفین و شرح دلاوریها و رشادتهای امام علی (ع) و در یک کلام هدفی مذهبی بوده است و پرداختن به صنایع ادبی در وهله دوم مورد نظر وی بوده است.

از میان عناصر بلاغی، اغراق بیشترین نقش را در حماسه دارد و به تعبیر شمیسا از ذاتیات حماسه و نه یک صنعت بدیعی است (انواع ادبی، شمیسا: ص ۹۶). اگرچه حمیدیان معتقد است «این عنصر زیباشناختی در حماسه‌های دینی خوش نیفتاده است، زیرا با سرشت اعتقادی اینگونه حماسه‌ها مغایر است و در صورت استفاده از اغراق و بویژه غلو، ایرادی به جنبه اعتقادی این حماسه‌ها که تاریخی هستند، وارد میشود و کذبی تلقی میشود که بر بزرگان دین بسته شده و در صورت عدم مبالغه هم حماسه از جوهر خود، عاری میگردد» (درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان: ص ۴۱۶) اما ربیع بیشتر اغراقهای منظومه‌اش را نه در توصیف امام علی (ع) بلکه در توصیف صحنه‌های جنگ، گرد و غبار جنگ و فراوانی سپاه بکار برده است:

چنان تیز شد آتش کارزار / که از دود وی شد هوا همچو قار (۶۵۳۵)

به شمشیر اعدا همی‌سوختند / به نیزه دل و دیده میدوختند (۴۲۳۰)

ز بس خون مردان شام و حجاز / چو جیحون خون شد نشیب و فراز (۵۳۵۸)

همچنین در اغراقهای علی‌نامه، اغلب یکسوی تخیل، مظاهر عظمت طبیعت مانند کوه، ابر، دریا و... است و ربیع در ساخت اغراق هرگز متوجه جزئیات نمیشود:

ز بس طعن و ضرب سنان و حسام / هوا زردگون شد زمین لعل‌فام (۳۵۴۲)

ز بس بانگ طبل و دم کر نای نای / تو گفתי که هامون برآمد ز جای (۴۹۹۳)

سواری که گر گه گرفتی به چنگ / بکنندی ز بن کوه را بیدرنگ (۷۹۵۸)

همچنین گاه دامنه اغراقها به عناصر اسطوره‌ای و ماوراء زمینی نیز کشانده میشود:

به نعل فرس پشت ماهی بسوخت / به نوک سنان چشم کیوان بدوخت (۴۰۳۰)

گرفته یکی نیزه‌ای او به کف / که مریخ را سوختی او به تف (۵۱۱۸)

محمد و مالک ز اوج فلک / اجل را رساندند به گاو و سمک (۱۰۳۲۲)

از نظر بسامد صورخیال در منظومه علی‌نامه، تشبیه در رتبه نخست قرار دارد. تشبیهات موجود در منظومه، به دو دسته کلی فشرده و گسترده قابل تقسیم است که بسامد تشبیهات گسترده در مقایسه با تشبیهات فشرده بیشتر است. از میان انواع تشبیه، بالاترین بسامد از آن تشبیهات محسوس به محسوس است که غالباً مرسل هستند و یک سوی آن از اشیاء یا حیواناتی است که فضای حماسی اثر را تقویت میکند، بویژه تشبیهاتی که مشبهه در آنها حیواناتی همچون شیر و پلنگ و نهنگ باشد.

در حماسه، بیشترین سهم، از آن تصاویری است که اجزای آن را عناصر طبیعت را تشکیل میدهد، چه در تصویرهایی که بگونه اغراق بیان میشود و چه در تصویرهایی که جنبه تشبیهی و استعاری دارند. عناصر سازنده صورخیال در علی‌نامه، ترکیبی از عناصر طبیعی (خورشید، ماه، کوه، دریا، باد و...) عناصر حیوانی (شیر، نهنگ، پلنگ و...) عناصر غیرطبیعی (آتش، چراغ، چنگ، و...) و مفاهیم انتزاعی (اژدها، دیو و...) است. عناصر حیوانی، برای نشان دادن قدرت، ضعف، فربکاری و نادانی شخصیت‌های منظومه مورد استفاده قرار گرفته است و مفاهیم انتزاعی مانند موجودات خیالی در ایجاد نوعی اغراق و عظمت‌بخشی به مضامین مؤثر واقع شده‌اند.

ربیع، بعنوان شاعر حماسه‌سرای دینی، ذهنی ساده دارد و از سوی دیگر فضای حماسه نیز سادگی را ایجاب میکند، ازاینرو شاعر با طبیعت و اشیاء تماسی بسیار ساده برقرار کرده است و بندرت دیده میشود که موازین ارتباطی را دورتر از ذهن ساده خوانندگان قرار دهد و از تشبیهات خیالی یا وهمی استفاده کند. «در میان صورتهای خیالی، بسامد تشبیهات محسوس به محسوس برای حسی کردن و برجسته نشان دادن میدان جنگ و جنگاوری بیشتر از عناصر دیگر است و کاربرد عناصر تجریدی و عقلی در تشبیهات او بسیار ناچیز است» (توصیف و توصیف‌گری در منظومه حماسی علی‌نامه، طغیانی، آقاحسینی و نیک‌روز: ص ۱۲۵): گرفتم که تو کوه آهن‌تنی (۸۰۷)، کنم این بیابان چو دریای خون (۱۲۷۱)، درآمد چو دیوان مازندران (۱۵۸۰)، هوا شد چو جوشنده دریای قار (۲۶۲۱). بسامد تشبیهاتی که در آن سواران به باد، دود و طوفان تشبیه شده‌اند از نظر سرعت بسیار است: برفتند اندر قفایش چو باد (۱۷۶)، برفتند پس تا به مکه چو باد (۴۵۱)، به نزد حمیرا چو باد و چو دود (۵۱۸)، همیرفت تا حیّ حرب او چو دود (۸۳۵)، بگفت این و شد سوی مسجد چو باد (۹۳۰)، سوی بصره چون باد لشگر براند (۱۰۳۲)، نشست او ابر بادپایی چو باد (۱۲۶۱)، به مانند کوه و به رفتار باد (۱۵۴۰) و...

ربیع گاهی از عناصر ایرانی مانند گوی و چوگان برای ساخت تشبیه بهره برده است:

چو چوگان زدی تیغ، آن نامجوی / ولیکن سر دشمنان بود گوی (۱۶۳۷)

همچنین از گونه‌ای شگرد ادبی که میتوان آن را «تداخل تشبیه و استعاره» نامید با بسامد درخور توجهی بهره برده است، این شگرد ادبی که رستگار فسایی از آن با عنوان «تعدد تصاویر» یا «تضاعف تصاویر» یاد کرده است، در علی‌نامه بسامد بالایی دارد، منظور از تعدد تصاویر، آوردن چند تشبیه یا استعاره است که مربوط به شخص یا شیء واحد نباشد ولی بیت یا مصراع را انباشته از تصویر کند. (رستگار فسایی، ۱۳۵۳: ۴۵) ربیع، نیز در منظومه خود، لفظ مشبّه به را استعاره برای امر دیگری قرار میدهد: چو کوهی ابر پشت کوهی نشست (۸۵)، چو شیری همی گشت در گرد شیر (۸۵۸۹).

همچنین مراد از تضاعف تصاویر آن است که شاعر در یک مصراع یا یک بیت به خلق و استعمال چند تشبیه و استعاره برای یک امر یا شخص معین پردازد (تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی، رستگار فسایی: ص ۴۵) مانند: چو کوهی ولیکن چو مانند باد (۶۰۳)، یا گاهی مشبّهی را که خود استعاره است، مشبّه تشبیه دیگر قرار میدهد: برآویخت آن شیر چون کرگدن (۱۶۲۵)، چو کوهی ابر پشت بادی چو کوه (۱۶۴۰).

گاه هر دو مورد فوق را در یک بیت می‌گنجاند:

چو کوهی ابر پشت بادی چو کوه / بد از سم آن باد که در ستوه (۱۶۳۱)

درمورد استعاره در حماسه نیز دو دیدگاه متضاد وجود دارد، برخی مانند شفیعی کدکنی معتقدند در حماسه جای استعاره نیست (صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۳۸۴) اما گروه دیگری مانند شمیسا اعتقاد دارند «در سطح ادبی حماسه، بسامد استعاره‌های مصرح‌ای که مشبه محذوف آنها پهلوانان و دلاوران هستند، زیاد

است» (انواع ادبی، شمیسا: ص ۹۶). استعاره در شعر حماسی، جنبه اصلی و اساسی ندارد، ازاینرو حماسه‌سرا نباید با استعاره‌های پیچیده و دیرپاب ذهن خواننده را از موضوع اصلی حماسه منحرف کند؛ چون بکار بردن استعاره‌های پی‌درپی و دشوار سبب تأمل خواننده در ریزه‌کاریها میشود و او را از خبر بزرگی که در حماسه وجود دارد، بازمیدارد. عموم استعاره‌های موجود در منظومه علی‌نامه، از نوع مصرحه و محسوس هستند که با عنصر حماسه و هدف آن همگام است. استعارات موجود در اثر را میتوان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: گروه اول، استعارات مصرحه برای توصیف قهرمانان خصوصاً امام علی (ع) که مشبهه در اکثر آنها «شیر» یا «پیل» است: شیر دادآفرین (۱۱۴۴)، شیر جهان‌آفرین (۱۳۴۶)، شیر خدای (۱۶۷۸)، شیر یزدان (۲۴۲۹ و ۱۱۰۲۵)، شیر اله (۳۷۲۸)، آفتاب حجاز (۵۲۴۵)، شیر ایزد (۷۴۵۰)، آفتاب کرم (۱۰۱۹۵)، شیر خدا (۱۰۷۷۱)، شیر ژبان (۱۱۰۲۵) و... در یک مورد نیز، شیر را استعاره از عبدالله زبیر و فضل ریاحین قرار داده است (۱۶۲۸).

ربیع، در چند مورد از لفظ «اژدها» برای ساخت استعاره برای ابن‌خدیج (۵۲۲۸) و جریربن عبدالله و عبدالله بن فضل (۷۵۲۹) استفاده کرده و در مواردی برای شمشیر قرار داده است: به کف درگرفته یکی اژدها (۳۶۹۳)، گرفت اژدهای روان‌خور به دست (۴۱۲۳).

گروه دوم، استعارات مصرحه‌ای هستند که برای توصیف شب و روز بکار رفته‌اند، این استعاره‌ها چون در مواضع غنایی اثر وجود دارند، عموماً غیرحماسی هستند: شمع‌گون شنبلیله-رایت قیرگون (۳۲۲)، چراغان آسمان (۲۵۱۲)، نیزه آفتاب (۲۵۷۳)، زرده چرخ (۳۰۳۹)، خرگه قیرگون (۳۱۶۲)، جامه قیرگون (۳۵۳۷)، سالار سقلاب (۳۸۳۳) و (۷۸۱۹)، سالار زنگ (۳۸۵۵)، زرین‌سپر (۴۹۰۶)، پرده قیرگون - چتر زنگارگون (۵۴۶۳)، چراغ شب (۶۷۷۲) و (۶۷۹۰)، رخشان‌درفش (۷۰۸۲)، در خوشاب (۷۲۷۱)، شعر زرد (۷۲۸۴)، زنگیان (۷۸۰۷)، شاه حبش (۷۸۰۸)، شاه زنگ (۷۸۲۰)، شه زنگ (۸۶۶۴) شمعهای هوا (۸۶۷۱)، و...

استعاره‌های مکنیه غیراضافی نیز در اکثر موارد محدود به جنبه‌های غنایی اثر (توصیف شب و روز) شده است: به خورشید بر چیرگی یافت ماه (۳۸۴)، شب از لشگر روز برتافت روی (۲۷۸۴)، ز خنده فروبست خورشید لب (۳۱۶۲)، به دریا فرورفت شب سرنگون (۳۸۶۹)، شب زنگی آورد لشگر فراز (۳۸۷۸)، شب زنگی آمد ز پرده برون (۵۴۶۳)، برآمد شه زنگ از نیمروز (۸۶۶۴) و...

استعاره‌های مکنیه در شکل اضافه استعاری نیز اغلب هر دو طرف آن محسوس و در موارد اندکی، یک طرف آن دارای رنگ حماسی است: روی شب (۳۸۴ و ۷۳۹۴)، بیخ نامردمی (۱۱۴)، تیر ایام (۶۹۱)، پای شب (۸۱۵)، رخ شب (۳۸۶۵) چشم کیوان (۴۰۳۰)، گوش خرد (۵۴۳۴)، رخ آسمان (۶۷۵۰) و...

در حماسه از کنایه و انواع آن خصوصاً در ضمن رجزخوانیها، مفاخرات و آنجایی که پهلوانان از سر تحقیر و تمسخر یکدیگر را مورد خطاب قرار میدهند، استفاده میشود و اصل است که کنایات نیز همانند سایر عناصر خیال، رنگ حماسی داشته باشند و در تداعی معانی حماسی سهیم باشند؛ اما در علی‌نامه اکثر کنایات غیرحماسی هستند و از زبان عامیانه اخذ شده‌اند و در بخشهای غنایی منظومه (توصیف شب) آمده‌اند. همچنین معنای کنایات بکاررفته در منظومه، قابل درک و از نوع ایما است و درصد بسیار کمی از کنایات در نگاه اول نامفهوم و با کمی تأمل قابل درک است: نفس زدن (۲)، خورشید را با گل اندودن (نهفتن) (۲۲۲ و ۷۴۷۹)، گرم شدن دیگ (۳۱۷)، آستین برنوشتن (۳۴۲)، تهی‌پای شدن (۳۹۰)، سر کسی را زیر پای آوردن (۳۹۸)، پای بر دم اژدها نهادن (۵۵۱)، روی گران کردن (۵۶۸)، بیدار شدن فتنه، دم مورچه چون دم مار شدن (۶۲۴)، تنگ بر مرکب بستن- آبگینه بر سنگ زدن (۶۳۴)، خام بودن در کاری (۶۹۷)، دیگ کسی گرم شدن (۷۲۷)، کمر بستن (۱۰۷۳)، شکفتن زعفران از

گلنار (۱۱۱۱ و ۱۱۸۶)، کسی را از گاه در چاه کردن (۱۱۳۶)، نمک بر دل ریش ریختن (۱۲۳۸)، به شمشیر سخن گفتن (۱۵۴۶)، گران شدن رکیب- سبک شدن عنان (۱۵۵۱)، حلقه در گوش کردن (۱۹۷۶)، پای خر به گل شدن (۲۳۰۱)، کند شدن بازار (۲۵۹۹)، دیده‌دوز شدن سر سوزن خواب (۲۷۸۲)، چهره شستن کوه (۲۷۸۴)، دل دادن (۴۵۹۶)، نه زن و نه مرد بودن (۵۵۱۵)، گره بر ابرو افکندن (۶۳۸۸)، سر به دریا فروبردن آفتاب (۶۷۴۸)، نقاب بستن بر آفتاب (۷۴۸۱)، گوی به میدان افکندن (۷۵۲۳) و...

بسیاری از تلمیحات علی‌نامه، برگرفته از داستانهای قرآنی و فرهنگ اسلامی است. درواقع موضوع مذهبی اثر باعث شده اشاره مکرر به مضامین قرآن و حدیث جزو مشخصه‌های بارز این منظومه باشد؛ و احسن کما احسن الله بخوان (۲۰۳۸)، سلونی بگفت آن شه دین و داد (۲۲۱۸)، که نصر من الله و فتح قریب (۳۹۱۸)، سنانش همی‌خواست ضرب الرقاب (۳۹۷۳)، همی گفت هل من مبارز به لاف (۴۰۱۲) توکل علی الله نوشته بر اوی (۴۹۶۹)، عدو خیره خیر من النوم خواند (۷۳۹۶)، که لولا علی لهلک عمر (۸۸۳۳)، علی لعنت الله علی الظالمین (۱۰۰۱۵) و... تلمیحات اساطیری و شاهنامه‌ای اثر تنها بدلیل تأثیرپذیری ربیع از فردوسی و مقایسه قهرمانان منظومه با شاهنامه وارد علی‌نامه شده‌اند و بسامد تلمیحات غنایی بسیار نادر است.

نتیجه‌گیری

منظومه حماسی- مذهبی علی‌نامه در قرن پنجم توسط شاعری با نام یا تخلص «ربیع» سروده شده است که بنظر میرسد از شیعیان اثنی عشری باشد، در ردیف حماسه‌های دینی قرار میگیرد. این اثر نخستین شعر حماسی شیعه اثنی عشری است که هم از نظر قدمت تاریخی حماسه‌های شیعی و هم از نظر نخستین تکیه‌گذاری درباره امام اول شیعیان دارای اهمیت است. موضوع آن بیان حوادث و رویدادهای تاریخی مربوط به زندگانی امام علی (ع) و خصوصاً جنگ جمل و صفین است و سراینده با مضامینی چون اعتقاد بر نص و رد انتخاب، ولایت و امامت و... سعی در تبلیغ مذهب تشیع امامی دارد. با توجه به موضوع خاص منظومه، روایت و شرح آن طبعاً باید مطابق رسوم، عادات و فرهنگ عرب باشد، اما از آنجاکه ربیع در آفرینش اثر خود از دیدگاه وزن و سبک به میزان زیادی تحت تأثیر شاهنامه است و فقط در انتخاب موضوع منظومه با فردوسی اختلاف نظر دارد؛ بطور عمدی یا غیرارادی، عناصر ایرانی و فرهنگ ایرانیان باستان را وارد منظومه خویش کرده است.

از ویژگیهای زبانی این اثر، کهنگی زبان است که در دو سطح لغوی و نحوی دیده میشود، در سطح لغوی شامل واژگان کهن و واژگان عربی (که بنابر موضوع منظومه ورود آنها به اثر طبیعی مینماید) و در سطح نحوی تابع قواعد زبان فارسی قرنهای سوم و چهارم است و استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم، استفاده از «یکی» در مقام ادات نکره، استفاده از «را» در معانی گوناگون، استفاده از سایر نشانه‌های قدمت و دیرنگی مانند ابا، ابی، ابر، مر و او عطف در آغاز مصرعها و... از مهمترین ویژگیهای نحوی این منظومه هستند. بخش زبانی این منظومه، در سطح لغوی با تنوع واژگان حماسی و عربی و مذهبی اثری بدیع را در زمان خود ایجاد کرده است.

شاعر افزون بر جنبه‌های شنیداری و موسیقایی قافیه، آرایه‌های زیبایی‌شناسی همچون جناس تام، مضارع، لاحق و... را برای افزایش موسیقی شعر لازم میدانسته و همگونیهای نوشتاری و صوری یعنی جناس خط را از عوامل زیبایی‌شناسی شعر بشمار آورده است.

برجستگی خاص این اثر در زمینه لغوی و فکری است و از منظر ادبی، وجهه خاصی ندارد. غالب تشبیهات، محسوس به محسوس و از نوع گسترده است که از آن میان تشبیه مجمل بسامد بیشتری دارد و از نظر شکل، تنوع چندانی ندارند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان استخراج شده است. آقای دکتر محمد حجت راهنمایی این رساله و در کمک به نگارش آن ۱۵ درصد از این مطالعه را برعهده داشته‌اند. سرکار خانم زهرا بیرامی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی ۸۰ درصد نقش داشته‌اند. آقای دکتر مجید حاجی‌زاده نیز همکاری در اصلاح مقاله و کمک به نگارش آن ۵ درصد، ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود واجب میدانم از استادان محترم بخش ادبیات دانشگاه آزاد کرمان که در سالهای تحصیل از محضرشان بهره بردم و ماحصل دانش و اندیشه من، در نتیجه آموختن از آنهاست، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین تشکر فراوان دارم از سردبیر محترم مجله بهار ادب، جناب آقای دکتر مجد و اعضای محترم این نشریه که موجبات پذیرش و چاپ این مقاله را فراهم ساختند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Afshari, Mehran. (۲۰۱۰). A search in the history of Managhebkhani and references to the system of Aliyameh, *appendix of the Mirror of Heritage*, new period, eighth year, appendix ۲۰, pp. ۲۵-۲۹.
- Hamidian, Sa'eed. (۲۰۰۴). An Introduction to Forousi Thought and Art, Second Edition, Tehran: Nahid; pp. ۴۳۴-۴۳۵ and ۴۱۶.
- Hedayatpanah, Mohammad Reza and Hedayatpanah, Hossein. (۲۰۱۶). A Reflection on the Religion of the Poet of Aliyameh, the Only Remnant of the Fifth Century Shiite Epic Heritage; *Journal of History of Islamic Culture and Civilization*, ۷ (۲۵), pp. ۴۵-۶۸.
- Heydari, Hassan and Farmahini Farahani, Elham. (۲۰۱۲). A Comparative Study of Alnameh and Shahnameh; *Literary Text Research*, No. ۵۱, pp. ۱۶۳-۱۸۲.

- Irani, Akbar. (۲۰۱۰). About Ali Nameh, *Appendix to the Mirror of Heritage*, New Era, Year ۸, Appendix ۲۰, pp. ۵۸-۶۳.
- Ja'farian, Rasoul and Golriz, Ali. (۲۰۱۴). Shiite Discourse in the System of Aliyameh, *Cultural History Studies*, No. ۲۱, pp. ۷۱-۹۶.
- Keyvani, Majdaldin. (۲۰۱۰). under the pretext of discovering and publishing Aliehnameh, *appendix to the mirror of heritage*, new period, eighth year, appendix ۲۰, pp. ۱۷۷-۱۸۸.
- Monzavi, Ahmad. (۱۹۷۲). List of Persian Manuscripts, Tehran: Regional Cultural Institute affiliated to the Organization of Regional Cooperation (RCP), p. ۳۰۰۸.
- Mousavi Garmaroodi, Seyed Ali. (۲۰۱۱). to the selection Aliehnameh, Tehran: Written Heritage Publications, pp. ۲۴-۲۵.
- Natel Khanlari, Parviz. (۱۹۶۸). The Language of Poetry, *Sokhan Magazine*, Volume ۱۸, pp. ۲۵۷-۲۶۰.
- Rabi'. (۲۰۰۹). Ali Nameh, photo printing, with introduction by Mohammad Reza Shafiei Kadkani and Mahmoud Omidzalar, Tehran: Written Heritage.
- Rabi'. (۲۰۱۰). Ali Nameh, edited by Reza Bayat and Abolfazl Gholami, Tehran: Written Heritage.
- Rastegar Fasaie, Mansour. (۱۹۷۴). Illustration in Ferdowsi Shahnameh, Shiraz: Shiraz University, p. ۴۵.
- Razmjoo, Hossein. (۲۰۰۲). The Realm of Iranian Epic Literature, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies, p. ۲۲۵.
- Safa, Zabihollah. (۱۹۹۶). History of Literature in Iran, Volume ۲, Fourteenth Edition, Tehran: Ferdowsi, p. ۵۸۴.
- Safa, Zabihollah. (۱۹۸۴). Epic poetry in Iran, fourth edition, Tehran: Amirkabir, p. ۵.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۹۳). Imaginary images in Persian Poetry, Fifth Edition, Tehran: Agah, p. ۳۸۲.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۰). Aliehnameh, Shiite epic from the fifth century, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, Ferdowsi University of Mashhad, ۳۳ (۳ & ۴), issue, pp. ۴۲۵-۴۹۴.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۰). Shiite epics from the fifth century, appendix of the mirror of heritage, eighth year, appendix number ۲۰, pp. ۹۳-۱۷۶.
- Shamisa, Sirus. (۱۹۹۷). Literary Types, Fifth Edition, Tehran: Ferdows, pp. ۹۶ and ۱۰۴.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۹). Generalities of Stylistics, Third Edition, Tehran: Mitra, p. ۲۱۶.
- Taghiani, Ishaq and Agha Hosseini, Hossein and Nikrooz Yousef. (۲۰۰۶). Description and characterization in the epic system of Aliehnameh, *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, Shahid Bahonar University of Kerman, No. ۲۰, ۱۷, pp. ۹۹-۱۲۷.

Vahidian Kamyar, Taghi. (۱۹۹۰). The Weight and Rhyme of Persian Poetry, Second Edition, Tehran: University Publishing Center, p. ۶۶.

فهرست منابع فارسی

- انواع ادبی، شمیسا، سیروس (۱۳۷۶) چاپ پنجم، تهران: فردوس.
- به بهانه کشف و نشر علی‌نامه، کیوانی، مجدالدین (۱۳۸۹) ضمیمه آینه میراث، دوره جدید، سال هشتم، ضمیمه ۲۰، صص ۱۷۷-۱۸۸.
- به‌گزین‌نامه، موسوی گرم‌رودی، سیدعلی (۱۳۹۰) تهران: میراث مکتوب.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۵) جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: فردوسی.
- تأملی بر مذهب سراینده علی‌نامه، هدایت‌پناه، محمدرضا و هدایت‌پناه، حسین (۱۳۹۵) تنها بازمانده میراث حماسی شیعه قرن پنجم؛ فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، (۲۵) ۷، صص ۴۵-۶۸.
- تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۵۳) شیراز: دانشگاه شیراز.
- جستجویی در تاریخ مناقب‌خوانی و اشاره‌هایی به منظومه علی‌نامه، افشاری، مهران (۱۳۸۹) ضمیمه آینه میراث، دوره جدید، سال هشتم، ضمیمه ۲۰، صص ۲۵-۲۹.
- حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۹) ضمیمه آینه میراث، سال هشتم، ضمیمه شماره ۲۰، صص ۹۳-۱۷۶.
- حماسه‌سرایی در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳) چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان، سعید (۱۳۸۳) چاپ دوم، تهران: ناهید.
- درباره علی‌نامه، ایرانی، اکبر (۱۳۸۹) ضمیمه آینه میراث، دوره جدید، سال هشتم، ضمیمه ۲۰، صص ۵۸-۶۳.
- زبان شعر، ناتل خانلری، پرویز (۱۳۴۷) مجله سخن، دوره هجدهم، صص ۲۵۷-۲۶۰.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) چاپ پنجم، تهران: آگاه.
- طغیانی، اسحاق و آقاحسینی، حسین و نیک‌روز، یوسف (۱۳۸۵) توصیف و توصیف‌گری در منظومه حماسی علی‌نامه، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۰، پیاپی ۱۷، صص ۹۹-۱۲۷.
- علی‌نامه، حماسه شیعی از قرن پنجم، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، (۳ و ۴) ۳۳، صص ۴۲۵-۴۹۴.
- علی‌نامه، ربیع (۱۳۸۸) چاپ عکسی، با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی و محمود امیدسالار، تهران: میراث مکتوب.
- علی‌نامه، ربیع (۱۳۸۹) به تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران: میراث مکتوب.
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد (۱۳۵۱) جلد ۴، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای وابسته به سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (RCP).
- قلمرو ادبیات حماسی ایران، رزمجو، حسین (۱۳۸۱) جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس (۱۳۸۸) چاپ سوم، تهران: میترا.

گفتمان شیعی در منظومه علی‌نامه، جعفریان، رسول و گلریز، علی (۱۳۹۳) مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۱، صص ۷۱-۹۶.

مطالعه تطبیقی علی‌نامه و شاهنامه، حیدری، حسن و فرمehینی فراهانی، الهام (۱۳۹۱) متن‌پژوهی ادبی، شماره ۵۱، صص ۱۶۳-۱۸۲.

وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۹) چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

معرفی نویسندگان

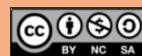
زهرا بیرامی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
(Email: beyrami@iauk.ac.ir)

محمد حجت: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
(Email: M.hodjat@iauk.ac.ir) نویسنده مسئول:

مجید حاجی‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.
(Email: m.hajizade@iauk.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Zahra Beyrami: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: beyrami@iauk.ac.ir)

Mohammad Hojjat: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: M.hodjat@iauk.ac.ir: Responsible author)

Majid Hajizadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: m.hajizade@iauk.ac.ir)